

در خدمت و خیانت روشنفکران جلد اول

نوشته جلال آل احمد

فهرست

درآمد

1 «روشنفکر چیست؟ روشنفکر کیست؟

روشنفکر خودی است یا بیگانه؟

زمینه اول پیدایش روشنفکران

آنتیو گرامشی

زمینه دوم: تخمین آمار صاحبان مشاغل روشنفکری

3 زادگاه های روشنفکری

زمینه سوم روشنفکران چینی و غربی

چاپ اول ۱۳۵۷ هجری شمسی

من دلم سخت گرفته است ازین مهمانخانه مهمان کش روزش تاریک که به جان هم نشناخته انداخته است چند تن ناهموار چند تن خواب آلود چند تن نا هشیار نیما یوشیج



## بخش درآمد

بخش کتاب خیانت روشنفکران و خیانت روشنفکران در هر سلسله مراتبی از حرف حسن کفاشی خیاطی رادیو سازی تراشکاری که حرف‌های جدی دارد بعد از آن شاگردی کارگری سر کارگری و غیره هرکدام با اسامی و معانی مشخصی چه شغلی حکایتی از تکامل پیمودن آن مراحل هستند بار معینی از این فرهنگ‌ها نفهمه همگانی

و حتی برای یک رئیس شرکت نفت برای زندان یا زندانبان و همه و همه مصداقیه خارجی از درجات شغل و حرفه‌ها سر و کار داریم فاصله به فرهنگی و آموزشی دبستان دبیرستان دانشجو دانشگاه درجات مختلف تعبیرهایی هستند کلیپ زبان محاوره‌ای استفاده می‌کنیم در زبان محاوره‌ای معنی کلمه اوستا راه استاد دومی روسا خطاب می‌کنیم درس سلسله مراتب به تصوف می‌شود تا جانشینی برای مذهب بسازند و به ناچار که گفتن کلمه مانند قرتی‌ها گشت همه مقامات معلم است و باید راهی را قدم به قدم تا از هیچی و پوچی به چیزی و کسی برسیم

مراتب مذهب مقلد تا مجتهد و مرجع درمانی هستند که وظیفه هر کس در هر یک از این مراحل شعور دینی مشخص است در مراتب باطنیان و اسماعیلی نیان و در دستگاه فرهنگ ماهی مفاهیم نشانه گذاری شده اند که برای هر کس در هر درجه‌ای مطلوبی نباشد از نظر مادی مطلوبی نباشد برای لازمه شناخت آن کتاب‌ها و دفترها مراجعه کنیم به نکته مفهوم ای باقی نماند و از این دست مثال‌ها فراوان است در حوزه فرهنگی علمی و مسائل اجتماعی سیاسی اما عادتی به بلاتکلیفی و ابهام نداریم. تعبیر روشنفکری و اسم و مسم‌های که از صدر مشروطیت تا به امروز با فارسی زبانان و سرنوشت فارسی زبانان گره خورده است. حد و مرزی نداشته و مشخصاتی نامعلوم است.



روشنفکر کیست و اصلا چه کسی است .

می شود بگویم در ظاهر که دنیای فرهنگی و دانش و فرهنگ یک آدم بیسواد باسواد شود و دیپلم بگیرد و بعد بشود روشنفکر و بعد به درجات بالا هم برسد .

یا باید دکترا گرفته باشد تا روشنفکر خطاب شود

تر بدانیم.

و اینکه کسی که به فرنگ رفته باشد یا کتابی نوشته باشد را روشنفکری بدانیم.

این ها در واقع سوال ها و ابهام های است که باعث شد ما هیچ یک از ملاتی و یا نویسندگانه و واعظی را روشنفکر ندانیم.

و این بسته به شرایط اصل روشنفکری را دارد که نسبت با واعظ و نویسندگانه مذهبی و ملا جمع هستند یا نیست .

تعبیر روشنفکری با مفهوم با گنگی همراه است مثال باسوادترین سوادتر باهوش تر خنگتر روشنفکر یا تاریکتر می توان نتیجه گرفت که روشنفکر مثل دانایان نادان یک صفت است و مطمئنم متضادی هم دارد آیا می توان برای روشنفکر درجاتی را قائل باشیم

روشنفکری یک صفت نیست حالت کیفیت نیست چراکه حالت کیفیت یک آدم اشتباه پوشیدن و معاشرت او را مدنظر قرار می دهیم .

در موقع به حوزه اندی نقل قول خادمی کشتی که از امور جهان دارد منصوب میشه محسوب میشه و یک امر نسبی است مثالی در این رابطه گفته شده است اگر یک میرزا نویس به علت بی سوادی است اهالی روشنفکر نقیب شوقی میرزا بنویس ۱۱ و جهان دیدگی او را اسباب روشنفکری در نظر می گیریم

از قلمرو اجتماعات مشفق با یک درجه اجتماعی است روشنفکر عضوی از یک طبقه است نمی توان گفت که بقیه روشنفکران این در احزاب کمونیست یک امر عادی بوده

در واقع از کارگران کشاورزان و روشنفکران تصویری سازنده بنای اجتماعی رو میگم سه طبقه ای که ابزار و کار متفاوتی دارد

سوالات متفاوتی در باب روشنفکری و روشنفکری وجود دارد اینکه به همان اندازه بی اعتبار هستند ایا در طرح ریزی آینده مملکت چه تاثیری دارد چرا ایده های آنها به خاطر نان و آب شده است و سوالاتی از این قبیل ها که بسیارند و اینکه چه فرقی میان روشنفکران ایرانی و اروپایی وجود دارد سوالاتی است که در باب این دفتر به آنها می پردازیم.

در طرح اولین دفتر در دی ماه ۱۳۴۲ نوشته می شود و در اواخر ۱۳۴۲ دستنویس اول آن آماده شد

و پونزده نسخه عکسی یا به دست دوستان آشنایان رسید ۴۵۲ فصل آن در مجله جهان نو که رضا بهرامی سرامیک درآمد و ترجمه هایی از متن انگلیسی را در آن زمینه کرده است



## روشنفکر چیست و یا کیست؟

روشنفکر تعبیری است که آن را به جای به جای انتلکتوئل گذاشته چرایی نامگذاری غلط مشهور است یک مفهوم غلط ذهنی این ترجمه دقیق نیست و این جای تعجب هم ندارد چرا که تاکنون به خوبی مشخص نبوده است.

اصل فرنگی اینتر ایر در زبان های فرنگی اصل انتلکتو الیس لاتین آمده است اسم مفعول بوده است. ترکیبی است صفت انتلی گه ره مصدری است لاتینی به معنی فهمیدن بهتر بود به جای آن تعبیر فارسی هوشمند یا فهمیده را جایگزین می کردیم

و در مفهوم اجتماعی این کلمه دری زیبایی برگزیده و یا فرزانه به جای آن انتخاب می کردیم

هر چند هسته ای کلمه از نظر مردی معنی با اصل کلمه دور هستند

در زبان های فرهنگی ساعت مارک ایس روس انتلی کنسیا رواج داشته به معنای جماعت زیرکان روس و آنها برای هر تحول سیاسی و اجتماعی درک زودرسی از وقایع اجتماعی داشتند .

روشنفکر در کلمه فارسی در معنی و در عالم خارج مشخصات اسمی آن طرح ریختن از گذشته نهادی برای آینده او است.

اگر به جای واژه فرنگی واژه هوشمند را انتخاب می کردیم کار را آسان تر می کرد ولی گرچه مفهوم گنگ باقی می ماند برای هر از شغل ها این کلمه را به کار می بردیم

و آن وقت هر عطار یا بقال و وزیری را روشنفکر خطاب می کردیم در اصل روشنفکر از نظر دستور زبان فارسی صفت مثل سیاه دل یا سفید رو روشنفکر کسی که فکرش روشن است روشنی است بی دقتی در ترجمه روشنفکر از فرهنگی در همین مبحث آشکار شده است.

فکر و اندیشه روشنایی را لازمه هر فکری می دانیم. در مفهوم ذهنی ما فکر و اندیشه بوده افضل الدین کاشی سخنی در این زمینه مطرح کردند.

لفظ دانش را جز روشنی و پیدایی وجود چیزها نمی خواهیم و چرا که بی دانشی پنهانی و پوشیدگی دارد

اصل چیزی که پیدا آشکار باشد واضح باشد بسته و ناپیدا نادانسته را یافته و بی دانشی می گوئیم.

پس روشنفکر کسی است که صاحب فکر می باشد اهل اندیشیدن باشد تا بتوان آن را روشنفکر دانست هر کسی که فکری دارد و اهل اندیشه است خود به خود روشن فکر کنم هست باید ببینیم که حاصل این اندیشه و فکر خود را به دیگران ابلاغ کند در کوتاه فکر و آزاد فکر به کار می رود بیان که از تجربه ترجمه فرهنگی باشد روشنفکر از اصل ترجمه ای که از منورالفکر گرفته شده در دوره مشروطه مورد استفاده قرار گرفت فرزندان اشرافیت که از فرنگ برگشته اند قانون اساسی بلژیک را داشتند مردم کوچه بازاری نیز به تقلید از روحانیت متجدد تجددخواه خوکی و مثبت فرینگ به کار می بردند آن حضرت خود را منورالفکر نامیدند ترجمه فرانسه یعنی روشن شدگان روشن شدگان آنچه افضل الدین کاشانی و حضرات روحانیت تجدد یا تجددخواه هرگز توجهی به چنین متنی نداشتند ممکن است به این دلیل باشد که با میرزا آقاخان کرمانی صور اسرافیل و و ما نشاط ملک خان بود که این تعبیر استفاده شد دروغ بیشتر توجهشان به پیشوایان قرن هجدهم فرانسه بود دوره خود را قرن روشنایی می نامیدند در غرب زدگی شد که مفاد کج گذاشته